



**منظور شما از توقعات چیست؟**

ببینید موارد متعددی شاید باعث می‌شود. مثلاً با بهره‌رزی سر آوردن اسمش در تیتراژ «گوزنها» به مشکل خورد. کیمیایی گفته بود در تیتراژ بنویسید بهره‌رزی و ثوقی و فرامرز قریبیان در «گوزنها». اما بهره‌رزی و ثوقی موافق نبود که اسمش مساوی نام قریبیان در تیتراژ نوشته شود.

**آیا کیمیایی بعد از این قطع همکاری با ثوقی پشیمان نشد؟**

با هم از تباط داشته‌اند و حرف می‌زدند. بهره‌رزی و ثوقی هم آدم خوش اخلاقی بود و حتی برایم بازی در فیلم «همسفر» را جور کرد و چون بیشتر فیلمبرداری‌اش در شمال بود و نمی‌توانستم مرخصی بگیرم در «همسفر» بازی نکردم.

**فکر می‌کنم در بین اهالی هنر، شما بیشترین مدت رفاقت با کیمیایی را دارید؟**

بله، حتی در مقطعی مدت‌ها با کیمیایی هم‌خانه بودم.

**مربوط به چه دورانی بود؟**

بعد از ساخت «گوزنها» و حول و حوش سالهای ۵۴ و ۵۵ و در حدود هشت ماهی در خیابان سر باز که خانه‌ام بود با کیمیایی زندگی کردم.

**آیا در آن دوران به واسطه حضور کیمیایی سینمایی‌ها به خانه شما رفت و آمد زیادی داشتند؟**

بیشتر نویسندگان می‌آمدند.

**ریشه آن دلخوری که دولت آبادی سر ساخت فیلم «خاک» از کیمیایی پیدا کرد چه بود؟**

به ناخر سندی دولت آبادی از نحوه اقتباس کیمیایی از رمانش در فیلم «خاک» بر می‌گشت.

**آیا در سالهای اخیر همچنان با کیمیایی در ارتباط هستید؟**

از تباط داریم و چند وقت قبل هم به خانه‌شان دعوت شدم و رفتم.

**در قاتل اهلی هم حضور موثری داشتید.**

در قاتل اهلی نقشم بدن بود. نقش یک کارخانه‌دار ور شکسته را بازی کردم که تلاش می‌کند کارخانه‌اش را دوباره احیا کند.

**در «خانن کشی» هم همکاری با کیمیایی ادامه پیدا کرد.**

کیمیایی محبت کرد و نقشی برایم در نظر گرفت.

**بعد از همکاری در فیلم «هتل کارتن» دوباره در چند فیلم مثل «برگ برنده» با الوند همکاری کردید...**

بله، بادم می‌آید سر فیلم «برگ برنده» با فریبرز عرب‌نیا و باران کوثری در روستایی حوالی ساوه کار می‌کردیم و فیلمبرداری این فیلم همزمان بود با پخش «باور چین» و ناگهان تمام مردم یک روستا آمدند سر صحنه تا من را ببینند. سیروس الوند تعجب کرد و با بلندگو گفت «جازه بدهید این صحنه تمام بشود و بعدش سعید پیردوست مال شما!»

**با توجه به وضع جسمانی‌تان آیا هنوز هم بازیگری را جدی دنبال می‌کنید؟**

دیگه آن توان و حوصله سال‌های قبل را ندارم و حافظه‌ام هم یاری نمی‌کند که بازی کنم.

**این روزها به چه کارهایی مشغول هستید؟**

بیشتر کتاب می‌خوانم و فیلم هم می‌بینم.

**آخرین فیلمی که دیدید چه فیلمی بود؟**

فیلم «کلور یای» جان کاساوتیس با بازی جینارولندرز. فیلمی بسیار زیبا و موثر درباره روابط انسانی است.

درست است. البته در چند کار نقش‌هایی را بازی کرده بودم که رگه‌هایی از طنز در آنها وجود داشت.

**آیا دستمزدتان برای این کار قابل توجه بود؟**

نه، زیاد نبود. در «قطعه چین» مقداری بهتر شد.

**در «قطعه چین» هم به درستی نقش صاحب یک فروشگاه لوازم خانگی را بازی کردید؟**

هم با بازیگران کار مثل سسیامک انصاری و هم نوع کارگردانی مدیری هماهنگ شدم و نقش هم مورد توجه مردم قرار گرفت.

**شبهای بره» هم جزو کارهای موفق و پر مخاطب مدیری بود.**

«شب‌های بره» اوج کار مدیری و تیم بازیگرانش بود و من دوستش دارم.



و نقشی که دوست داری بگو. گفتم نقش آدم لمبینه که با انگشتش خلال می‌کنه را دوست دارم و گفتم می‌تونی این کاراکتر را بازی کنی؟ من هم گفتم بله و آن نقش را ایفا کردم. بعد از خاتمه کار گفتم دوست دارم در کارهای شما بازی کنم و مدیری گفت می‌خواهم سریالی بسازم و نقش خاصی برای توندارم. اما یک نقش کوتاه یک رئیس اداره است و ممکن است در هر شش قسمت یک بار حضور داشته باشد. من در پاسخ گفتم مسئله مهمی نیست و برایم همکاری با شما ارزشمند است و نقش را قبول کردم. چند قسمت شروع سریال همین روال حضور کوتاه حفظ شد اما به مرور با توجه به تغییر فضای سریال و حذف تعدادی بازیگر و جایگزین شدن عده‌ای دیگر، بخش اداره به فرهاد به عنوان یکی از بیس‌های اصلی سریال مورد استفاده قرار گرفت و رفتار چالوسانه فرهاد با رئیس و واکنش رئیس و تشویق کردن و جوک گفتن‌هایش خیلی به مذاق مردم خوش آمد. زیرا آدم‌های این نوعی در جامعه مصداق دارند.

**آیا برای ایفای نقش رئیس الگوی هم برای بازی در نظر گرفتید؟**

من در حدود ۲۵ سال مسئول امور اداری کمپانی ماک بودم که برند یک ماشین سنگین است و زیر و بم‌های کارمند جماعت و کنش و واکنش‌هایشان را خوب می‌شناختم. بنابراین بابت پیدا کردن الگو و ما به ازاء ترغیبم بگردم و به آرشبو ذهنم رجوع کردم. می‌دانستم به عنوان مدیر چگونه با کارمند و کارگر صحبت کنم. در شیوه‌مدیریتی باید به یک سری یادداشت داد و یک سری را جریمه کرد.

**بنابر این تشویق فرهاد در سریال از ایده‌های شما بود؟**

من این تجربیات را منتقل کردم و خوشحالم که سریال توانست در زمان پخشش به محبوبیت زیادی بین مردم برسد. جنس بازی در این نوع کارها حساس است و با ستاره بازی بقیه موارد به صورت حسی در بازی ارائه می‌شود و بتدریج نقش رئیس اداره قوام و شکل کاملی به خودش گرفت.

**چقدر بازیگران اصلی مجموعه به شما در ایفای نقش‌تان کمک کردند؟**

جواد رضویان خیلی کمک کرد و از همه مهمتر مدیری درست و اصولی هدایت‌م کرد.

**مهران مدیری هم معمولاً هوشمندانه از خلاقیت و توانایی‌های بازیگر در جهت بهتر شدن نقش و کار استفاده می‌کند؟**

کامل درست گفتید. مدیری کارگردان باهوشی است و استادانه از توانایی هر بازیگر در موقعیت صحنه و حین کار استفاده می‌کند و همین است که کارهایش دارای امضاء می‌شوند. جاهایی بازیگر را موظف می‌کند که فقط طبق متن کار کند و جاهای دیگر آزادی عمل می‌داد تا بازیگر کارش را البته در یک خط کشی اصولی ارائه کند.

**آیا از استقبال گسترده مردم در قبال «باور چین» تعجب نکردید؟**

برای من غیر منتظره بود. من تا قبل از همکاری با مدیری بازیگری نبودم که اگر جایی بروم همه من را بشناسند. این در حالی بود که در فیلم‌هایی مثل «خاک»، «رد پای گرگ» و «گوزن‌های» کیمیایی بازی کرده بودم. اما حضورم در این سریال باعث شد خیلی‌ها من را بشناسند. در آن سالها در شهرک اکباتان زندگی می‌کردم. یک روز صبح که چند مدتی از پخش «باور چین» می‌گذشت از خانه بیرون آمدم تا سوار ماشین بشوم. ناگهان عده زیادی از مردم دورم جمع شدند که خیلی باعث تعجبم شد.

**اصلاً دنبال شهرت بودید؟**

قبل ترها که تازه بازیگر شده بودم با خودم می‌گفتم، روزی می‌شود مردم در خیابان من را هم بشناسند و درباره بازی‌ام حرف بزنند؟ این اتفاق و آرزو بیست سال بعد با این سریال اتفاق افتاد.

**تا آنجایی که به خاطر دارم قبل از «باور چین» اصلاً شماره‌ها به عنوان بازیگر طنز نمی‌شناختند؟**

بله، تا آن زمان بازیگرها را به عنوان بازیگر نمی‌شناختند.